فهرست‌نویسی پیش از انتشار: توسط انتشارات امام علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام.

مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۰۵ -
پیام امام امیرالمؤمنین علیه‌السلام: شرح تازه و جامعی بر نهج‌البلاغه / مکارم شیرازی؛ با همکاری جمعی از فضلا و دانشمندان. - قم: انتشارات امام علی بن ابی‌طالب(ع) - ۱۳۹۰.
ج. (دوره)
ISBN: 978-964-533-044-1
ISBN: 978-964-533-160-1

فهرستنویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه.
ج. ۱۳ (چاپ اول: ۱۳۹۰)
۱. علی بن ابی‌طالب(ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. -- نهج البلاغه -- نقد و تفسیر. ۲. علی بن ابی‌طالب(ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. -- گفتار حکیمانه. ۳. علی بن ابی‌طالب(ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. -- کلمات قصار. الف. علی بن ابی‌طالب(ع) امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. ب. عنوان. ج. عنوان: نهج‌البلاغه. شرح. د. عنوان: شرح تازه و جامعی بر نهج‌البلاغه.
BP ۳۸/۰۲/ ۹ پ ۷ م
۲۹۷/۹۵۱۵

با همکاری دانشمندان محترم حجج اسلام آقایان:
محمّدرضا آشتیانی - محمّدجواد ارسطا - سعید داودی - احمد قدسی
و سید عبدالمهدی توکل

ناشر برتر
نوزدهمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران

پیام امام امیرالمؤمنین علیه‌السلام / ج ۱۳

تألیف: **آیة الله العظمی مکارم شیرازی و همکاران**
تیراژ: **۵۰۰۰ نسخه**
نوبت چاپ: **اوّل**
صفحه و قطع: **۸۲۳ صفحه / وزیری**
تاریخ انتشار: **۱۳۹۰**
چاپخانه: **سلیمانزاده**
ناشر: **انتشارات امام علی بن ابی‌طالب(ع)**
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۳-۱۶۰-۱



قم - ابتدای خیابان شهدا - کوی آمار (۲۲) - پلاک ۱۵
تلفن: ۷۷۳۲۴۷۸ دورنگار: ۷۸۴۰۰۹۹
www.imamalipub.ir

قیمت: **۸۰۰۰ تومان**

۱۳۶

وَقالَ عَلَيْهِ السَّلامُ

الصَّلَاةُ قُرْبَانُ كُلِّ تَقِيٍّ، وَالْحَجُّ جِهَادُ كُلِّ ضَعِيفٍ. وَلِكُلِّ شَيْءٍ زَكَاةٌ، وَزَكَاةُ الْبَدَنِ الصِّيَامُ، وَجِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعُّلِ.

امام عليه السلام فرمود:

نماز وسیله تقرب هر پرهیزگاری است و حج، جهاد هر ضعیف، و برای هر چیز زکاتی است و زکات بدن روزه است و جهاد زن شوهرداری شایسته اوست.[۱]

---

۱. **سند گفتار حکیمانه:**

طبق نقل مرحوم خطیب در کتاب مصادر نهج‌البلاغه، این گفتار حکیمانه قبل از نهج‌البلاغه در کتاب تحف العقول در مجموعه‌ای از کلمات آن حضرت آمده تنها عبارت «وَجِهادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعُّلِ» در آنجا نیست ولی این جمله به اضافهٔ جملهٔ اول و دوم در کتاب خصال نقل شده و این جمله در فروع کافی نیز دیده می‌شود. (مصادر نهج‌البلاغه، ج ۴، ۱۲۱).

با مراجعه به تحف‌العقول در یافتیم که جملهٔ اخیر نیز با کمی تغییر در آن آمده است. (تحف العقول، ص ۱۱۱).

شرح و تفسیر

بهترین وسیلهٔ قرب به خدا

امام(علیه السلام) در این کلام نورانی‌اش به فلسفهٔ و آثار چند حکم از احکام مهم الهی اشاره فرموده که به صورت بسیار گسترده‌تر در حکمت ۲۵۲ نیز آمده است. می‌فرماید: «نماز موجب تقرب هر پرهیزگار و حج جهاد هر ضعیف است و برای هر چیز زکاتی است و زکات بدن روزه است و جهاد زن شوهرداری شایستهٔ اوست»؛ (**الصَّلَاةُ قُرْبَانُ کُلِّ تَقِيٍّ، وَالْحَجُّ جِهَادُ کُلِّ ضَعِيفٍ. وَلِکُلِّ شَيْءٍ زَکَاةٌ، وَزَکَاةُ الْبَدَنِ الصِّيَامُ، وَجِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعُّلِ**).

شک نیست که نماز بهترین وسیلهٔ تقرب به پروردگار است که از آن در روایات به معراج مؤمن تعبیر شده است[1] که تعبیری بسیار گویا و رسا در تأثیر نماز برای قرب الی الله است؛ ولی امام(علیه السلام) شرط آن را تقوا شمرده تقوایی که سبب می‌شود انسان با بال و پر نماز به آسمان‌ها و ملکوت پروردگار پرواز کند. همان‌گونه که در قرآن مجید در داستان قربانی فرزندان آدم(علیه السلام) آمده است: «﴿**إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ**﴾؛ خداوند تنها، (قربانی را) از پرهیزگاران می‌پذیرد».[2]

«قربان» به چیزی گفته می‌شود که به وسیلهٔ آن تقرب می‌جویند؛ خواه این وسیله، عبادتی از عبادات مانند نماز و روزه و حج باشد یا گوسفندان و سایر

---

۱. مستدرک سفینة البحار، ج ۶، ص ۳۴۳.

۲. مائده، آیهٔ ۲۷.

حیوانات قربانی یا صدقه‌ای در راه خدا. بعضی گفته‌اند «قربان» مصدر از مادهٔ «قُرب» است ولی با توجه به این‌که در محل کلام ما معنای وصفی دارد (چیزی که مایهٔ قرب می‌شود) باید پذیرفت که مصدری است که به معنای وصفی به کار رفته است.

اما این‌که در مورد حج آن را جهاد هر ضعیفی شمرده ازاین‌رو است که حج هم جهاد با نفس است و هم آثار جهاد با دشمن را دارد، زیرا مایهٔ وحدت میان مسلمانان و اتحاد صفوف آنها می‌شود و پشت دشمن را می‌لرزاند، بنابراین افرادی که توان حضور در میدان جهاد با دشمن را ندارند با حضور در مناسک حج به بخشی از فلسفهٔ جهاد با دشمن فعلیت می‌بخشند و حتی جوانانی که در حج شرکت می‌کنند با تحمل مشقات حج و گاه پیاده‌روی‌های طولانی و محرومیت از خواب و استراحت، برای میدان جهاد تمرین می‌کنند.

امام در مورد روزه می‌فرماید: زکات بدن است، زیرا روزه چیزی از بدن می‌کاهد؛ ولی بر برکات آن می‌افزاید همان‌گونه که زکات مال ظاهرا چیزی از آن می‌کاهد؛ اما برکات غیر قابل انکاری دارد. در جهان نباتات نیز این موضوع در مورد بسیاری از درختان عملی می‌شود که شاخه‌های زیادی از آن را می‌برند ولی بعداً درخت نمو فوق‌العاده‌ای پیدا می‌کند.

به گفتهٔ شاعر:

زکات مال بـه در کـن کـه شـاخهٔ رَز[1] را

چون بـاغبان بـبُرد بـیشتر دهـد انگـورا!

امام(علیه السلام) می‌فرماید: جهاد زن شوهرداری شایسته است به سبب آن که در میدان جهاد مشکلات فراوانی است: هم بذل مال است (در زمانی که مجاهدان هزینه‌های خود را از سلاح و مرکب و غذا می‌پرداختند) و هم بذل جان و هم

۱. «رز» به معنای درخت انگور است.

جدایی از زن و فرزند و بستگان و در بسیاری از موارد، جراحات سخت جسمی. زن‌ها نیز هنگامی که در برابر مشکلات خانه‌داری و گاه اعتراضات و زخم زبان‌های شوهر قرار می‌گیرند اگر تحمل و بردباری نشان دهند جهاد مهمی را انجام داده‌اند.

«اصبغ بن نباته» که از یاران خاص علی علیه السلام است از آن حضرت نقل می‌کند که فرمود: «**كَتَبَ اللّهُ الْجِهادَ عَلَى الرِّجالِ وَالنِّساءِ فَجِهادُ الرَّجُلِ بَذْلُ مالِهِ وَنَفْسِهِ حَتّىٰ يُقْتَلَ في سَبيلِ اللهِ وَجِهادُ الْمَرْأَةِ أنْ تَصْبِرَ عَلىٰ ما رَأىٰ مِنْ أذىٰ زَوْجِها وَغَيْرَتِهِ**؛ خداوند جهاد را بر مردان و زنان واجب کرده است. جهاد مرد در این است که مال و جان خود را انفاق کند تا آنجا که در راه خدا شهید شود و جهاد زن در این است که در برابر آزاری که از شوهرش می‌بیند و در برابر تعصب‌ها و حساسیت‌های او صبر پیشه کند».[1]

در حدیث دیگری که در کتاب در المنثور «سیوطی» آمده است می‌خوانیم که «اسماء» از طائفهٔ انصار نزد پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله آمد در حالی که پیامبر در میان اصحابش نشسته بود. عرض کرد: پدر و مادرم به قربانت باد من به عنوان نمایندهٔ زنان خدمت شما آمده‌ام. جانم به فدایت باد بدان هیچ زنی در شرق و غرب نیست که آمدن مرا نزد تو شنیده باشد مگر این‌که او هم همین رأی و نظر مرا دارد. خداوند تو را به حق به سوی مردان و زنان مبعوث کرده ما به تو و خدایی که تو را فرستاده ایمان آورده‌ایم؛ ولی ما زنان در حقیقت در محاصره و گرفتار محرومیت‌هایی هستیم: باید در خانه بنشینیم و خواسته‌های مردان را به جای آوریم، فرزندان شما را متولد می‌سازیم و شما گروه مردان بر ما برتری پیدا کرده‌اید در جمعه و جماعات و عیادت بیماران و تشییع جنازه و حج بعد از حج و از همهٔ اینها بالاتر جهاد در راه خداست. هنگامی که یکی از شما به عنوان حج

---

۱. کافی، ج ۵، ص ۹، ح ۱.

یا عمره یا شرکت در جهاد خارج می‌شود ما اموالتان را حفظ می‌کنیم، برای شما لباس می‌بافیم و اولاد شما را پرورش می‌دهیم. ای رسول خدا! در چه پاداشی با شما شریک هستیم؟

پیغمبر صلی الله علیه و آله با تمام صورت به سوی اصحابش برگشت سپس فرمود: سخن این زن را شنیدید؟ هرگز بهتر از این سؤال در امر دین از کسی شنیده‌اید؟ همگی عرض کردند: ای رسول خدا! ما باور نمی‌کردیم زنی به چنین مطالبی برسد (و چنین سخن بگوید) آن‌گاه پیغمبر صلی الله علیه و آله رو به او کرد و فرمود: «**اِنْصَرِفي أَيَّتُهَا الْمَرْاَةَ وَأَعْلَمِي مَنْ خَلْفَكَ مِنَ النِّساءِ أَنَّ حُسْنَ تَبَعُّلِ إِحداكُنَّ لِزَوْجِها وَطَلَبَها مَرْضاتَهُ وَاتِّباعَها مُوافَقَتَهُ يَعْدِلُ ذٰلِكَ كُلِّهِ**؛ بانو برگرد و به زنانی که پشت سر تو هستند (و از طرف آنها آمده‌ای) اعلام کن که شوهرداری یکی از شما به صورت شایسته و به دست آوردن خشنودی او و پیروی از موافقتش معادل تمام این اعمال خیر است».

«**فَأَدْبَرَتِ الْمَرْأَةُ وَهِيَ تُهَلِّلُ وَتُكَبِّرُ اسْتِبْشاراً**؛ آن زن بازگشت و از روی شادی تکبیر و لا اله الا الله می‌گفت».[۱]

نکته:

فلسفهٔ احکام

به یقین تمام احکام الهی فلسفه و حکمت‌هایی دارد که به ما باز می‌گردد. خداوند حکیم است؛ نه بی‌حساب به چیزی فرمان می‌دهد و نه بی‌دلیل از چیزی نهی می‌کند و از آنجا که او هستی کامل و بی‌عیب و نقص است، فلسفه‌های این احکام به ذات پاکش بر نمی‌گردد، بلکه همگی برای تربیت نفوس انسان‌هاست. این مطلبی است که هر کس کمترین توجهی به حکیم بودن خداوند داشته باشد

---

۱. در المنثور، ج ۲، ص ۱۵۳ ذیل آیهٔ ۳۴ سورهٔ نساء.

آن را درک می‌کند؛ ولی با نهایت تأسف جمعی در میان مسلمانان پیدا شده‌اند که تبعیت احکام را از مصالح و مفاسد و حسن و قبح زیر سؤال برده‌اند و این در حالی است که هم در قرآن مجید و هم در روایات اسلامی به طور گسترده اشاره به فلسفهٔ بسیاری از احکام شده است و این نشان می‌دهد که ما حق داریم از فلسفهٔ احکام جستجو کنیم که در کلام حکیمانهٔ بالا به بخشی از آن اشاره شده است و فایدهٔ مهم آن تشویق همهٔ مکلفان به اطاعت از این احکامِ دارای چنین فوائد بزرگی است؛ درست مثل این‌که طبیب آثار شفابخش داروهای خود را برای بیمارش شرح دهد تا او را تشویق سازد از دل و جان به نسخه‌اش عمل کند.

شرح بیشتر دربارهٔ این مطلب را ذیل حکمت ۲۵۲ خواهیم داد إن‌شاءالله، و در ذیل خطبهٔ ۱۱۰ نیز بحث مبسوطی در این زمینه بیان داشتیم. همچنین در کتاب دائرةالمعارف فقه مقارن در جلد اول بحث بسیار مشروحی در این زمینه آورده‌ایم.

